

عدالت در بانکداری اسلامی

محمد کهندل^۱

مقدمه

امروزه با جدا شدن پس انداز از سرمایه و گسترش حجم فعالیت های اقتصادی لازم است نهادها، ابزارها و بسترهایی به منظور انتقال منابع مالی از بخش هایی که دارای مازاد وجوه می باشند به بخش هایی که با کسری منابع مالی جهت تشکیل سرمایه می باشند و رفع نیاز های مالی آن ها طراحی و سازماندهی شوند. در اقتصاد سرمایه داری و بانکداری متعارف اجزای بازارهای مالی عبارتند از: بازار سهام (بورس)، بازار رهنی، اوراق قرضه شرکت ها، اوراق بهادار دولتی، بازار اعتبارات، بازار اوراق قرضه کوتاه مدت و اوراق خزانه دولتی کوتاه مدت می باشند، که در دو بازار پول و سرمایه از طریق مؤسسات مالی که مهمترین آن ها عبارتند از: بانک های تجاری، صندوق های پس انداز، شرکت های بیمه، شرکت های سرمایه گذاری، مؤسسات اعتباری و سازمان بورس شکل و هدایت می شوند. در نظام اقتصادی اسلام متاسفانه ما در شکل دهی نهادهای مالی که یک ضرورت اجتناب ناپذیرند به دنبال کپی برداری بوده ایم. و تا حدودی آن را نیز عملی ساخته ایم. در زمینه ماهیت هر کدام از نهادهای مالی نیز به سازکارهای آن در نظام سرمایه داری توجه داشته ایم و بر همان اساس آن ها را تعریف نموده ایم. گویی بر این باوریم که برای طراحی اقتصاد اسلامی و بانک داری اسلامی همان اصول و مبانی نظام سرمایه داری کارساز است.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

هر نظام اقتصادی بر اساس مبانی آن طراحی می شود و این مبانی؛ ساختارها، نهادها و ابزارهای اقتصادی را با روح خود به هم پیوند می زند و برای آن ها اهداف واحد تعیین می کند و در آن صورت مفهوم نظام اقتصادی به خود می گیرند. متأسفانه در تدوین قانون عملیات بانکداری بدون ربا در مواردی مبانی مورد دقت کافی قرار نگرفته است. در بررسی های انجام شده در سال های اجرای این قانون بدون توجه به مبانی و اصول مسلم، تحقیقات صورت گرفته است. به همین دلیل در تدوین نظام مالی و بانکداری اسلامی پیشرفت قابل توجهی نداشته ایم. بعضاً درصد هم پیوندی نظام مالی و پولی کشور با جهان خارج برآمده ایم. این یک انحراف بزرگ است. یکی از مبانی مسلم اقتصاد اسلامی و نظام بانکی قانون عملیات بانکی بدون ربا، عدالت اجتماعی است. طبعاً این واژه برای گفتمان در مناظرات سیاسی، اجتماعی و علمی نیست. بلکه این مفاهیم می بایست در تمام زوایای نظام اقتصادی و بانکی کشور اعم از قانون و مقررات، ساختارها، ابزارها و نهادها حلول پیدا کند تا طعم شیرین مبانی در زندگی روزمره مردم هویدا گردد و اسلام مجسم را به نمایش بگذاریم.

در این مقاله، موضوع بانکداری اسلامی و یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام یعنی عدالت اجتماعی مورد مطالعه قرار داده می شود و بانکداری با مبانی سودجویی فردی با تعریف نفع پرستی از انسان و بانکداری با مبانی عدالت اجتماعی با تعریف نفع طلبی از انسان را بحث خواهیم نمود ولی از آن جایی که امکان تفکیک نمودن پول و بانک از هم وجود ندارد و بدون تعریف مشخص از پول نمی توان موضوع بانک را پی گرفت تبیل از بحث بانک به موضوع پول و ارائه تعریف مشخص از پول برای ورود به بحث بانک و بانکداری می پردازیم و در پایان ساختار مشخص و پیشنهادهایی برای بانکداری ارائه می دهیم. تذکر این نکته مهم است که در طول بحث

سعی می شود، عدالت اجتماعی که یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام است به عنوان محور و مبنای چینش و ساخت ساختار بانکداری اسلامی رعایت شود.

عدالت اجتماعی و اقتصاد

عدالت، ملکه‌ای نفسانی و حالتی شهودی و درونی است که منجر به رعایت اعتدال و استقامت در مقابل افراد و تفریط و نفی اعمال ظلم از طرف خود یا دیگران و نفی ظلم پذیری است. تمایل و گرایش به عدالت خواهی یک امر فطری و غیراکتسابی و غیرآموزشی است که در همگان وجود دارد. العدل میزان الله فی الارض فمن اخذه قاده الی الجنه و من ترکه سافه الی النار.^۱ عدالت اجتماعی یعنی استقرار عدل و از بین رفتن هر گونه تبعیض در سطوح احاد جامعه، مبارزه با فقر غیر از تامین عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی فراتر از فقر زدایی است. دعوت به نظام اسلامی منهای اعتقاد راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی دعوتی ناقص است. هدف پیامبران اقامه قسط است. ليقوم الناس بالقسط، اولین قدم اقامه عدل است ولی آن هدف نهایی نیست اما فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی است. قسط و عدل جز با انطباق به قوانین اسلامی تحقق پیدا نمی کند. هر چه خلاف اسلام باشد عدل و قسط نیست بلکه ظلم است. اصل عدالت اجتماعی است که این موضوع نه تنها منافاتی با توسعه و رشد اقتصادی و ثروت ندارد بلکه در راستای یک اقتصاد سالم که نفع آن برای همگان و رفاه همه مردم در آن خواهد بود، می باشد.

حضرت پیامبر اکرم صلوات الله علیه می‌فرمایند: «جَمَاعُ التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». یعنی تقوا و پرهیزگاری در این آیه جمع است «بدرستی که خداوند جل و علا به اجرای عدالت و نشر احسان امر می‌کند.» فقر در جامعه‌ی اسلامی قابل تحمل و تصور نیست، به طوری که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

ما امن بی من بات شعبان وجاره جائع. قال: وما من اهل قرية يبیت فیهم جائع، ينظر الله اليهم يوم القيامة»^۲

کسی که سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است. خداوند در روز رستاخیز به مردم هر آبادی و شهری که کسی شب را در آن گرسنه به سر آورده باشد به نظر رحمت نگاه نخواهد کرد. و در جایی دیگر پیامبر صلوات الله علیه می‌فرمایند: لولا الخبز ما صلّینا، و لاصمنا ولا أدینا فرائض ربنا عزوجل^۳ بدون نان نمی‌توانیم نماز بخوانیم، روزه بگیریم و دیگر واجبات پروردگار عزیز را انجام دهیم. ملاحظه می‌شود که عدالت از مبانی فکری اسلام است و گفته شده است که اگر کسی گرسنه‌ای را شاهد باشد و اقدامی انجام ندهد مثل این است که به ائمه اطهار علیهم السلام باور و ایمان ندارد و خداوند در روز قیامت به نظر رحمت به او نگاه نخواهد کرد. در یک کلام می‌توان بیان داشت که عدالت اسلامی از باورهای نظام اسلامی است. جزء مبانی اسلام و فراتر از مسائل اقتصادی است.

عدالت میزان و ترازوی خداوند در روی زمین است. هر کس آن را در یابد به بهشت هدایت می‌شود و هر کس آن را رها کند به دوزخ سوق پیدا می‌کند. امام در تعریف عدالت در

۱- مستدرک الوسائل ۲۹۹/۲ چاپ سنگی

۲- اصول کافی ج ۲ - ۶۶۸

۳- اصول کافی ج ۵ ص ۷۳

تحریر الوسیله می فرمایند: «العدالة عبارة عن ملكة راسخه باعثة علی ملازمة التقوی من ترک المحرمات و فعل الواجبات»^۱ عدالت عبارت است از ملكه ریشه داری که همواره انسان را به ملازمت تقوا، ترک محرمات و انجام واجبات وادار می کند.

عدالت اجتماعی نه تنها هدف نظام اسلامی می باشد بلکه هدف کلیه انبیای الهی از صدر خلقت تا پیامبر اسلام صلوات الله علیه بوده است. آن از اهداف اساسی مکتب رهایی بخش اسلام محسوب می شود. عدالت اجتماعی در بسیاری از آیات قرآن مجید مطرح شده و پیامبرعظیم الشأن اسلام صلوات الله علیه در جهت استقرار آن تلاش نموده‌اند..

عدالت اجتماعی به عنوان یک ارزش و اصل در اداره امور جامعه مطرح است. فرای مسائل اقتصادی است یک وجه عدالت اجتماعی این است که تمام انسان ها در یک کشور اسلامی در مقابل قانون برابرند. درس بزرگ و بخاطر ماندنی دعوی مولی علی علیه السلام با فرد غیرمسلمان نزد قاضی در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام را همه شنیده و خوانده‌ایم. این نمونه بارز عدالت اجتماعی در این زمینه است. همه برابرند در این مورد خاص عدالت اجتماعی به معنی برابری و تساوی بین افراد است. هیچ گونه تفاوتی انسان ها، در مقابل قانون و حکم خدا با هم ندارند. همه برابرند. باید اشاره نمود که امنیت و آزادی برای همه و حضور در صحنه سیاست از همین مقوله است. در مسائل اقتصادی ما معتقدیم که در نظام اسلامی و در جامعه‌ای که برکات و نعمات متعلق به همه مردم است چنان چه کسانی باشند که در محرومیت به سر ببرند مسلماً حق آن ها تزییع شده و حقوق شان داده نشده است. با وجود این اصل، اگر در جامعه‌ای کسانی وجود داشته باشند که امور زندگی را با تنگدستی و ناراحتی می گذرانند باید حق آن ها را به آنان باز گردانند. این

محور عدالت اجتماعی است. می توان اشاره نمود که موضوع تأمین آموزش و تحصیل، تغذیه، بهداشت، مسکن، پوشاک و مسائلی چون این ها برای همه از این موارد است. البته عدالت اجتماعی در بخش اقتصادی به معنی تساوی و برابری همه افراد جامعه از مواهب اقتصادی یک جامعه نیست. خداوند تبارک و تعالی انسان ها را با خصوصیات و استعدادهای متفاوت آفریده و طبعا در نحوه زندگی و کسب امکانات و مواهب خدادادی تفاوت هایی بین افراد و گروه های مختلف اجتماعی وجود دارد. به علاوه انسان ها برای به فعلیت در آوردن استعدادهای خود به یک میزان تلاش نمی کنند. هر کسی یا هر قشری تلاش بیشتر بنماید، قطعاً امکان به استخدام در آوردن امکانات بیشتر برای او میسر خواهد شد. عکس این نیز صادق است. لذا اختلاف در میزان رفاه معیشتی، امری طبیعی و لازم روند عقلایی خلفت است.^۱

در نظام اقتصادی اسلام رشد و توسعه و عدالت اجتماعی با هم، هم خوانی داشته و نه تنها با هم معارض نمی باشند بلکه به طور ماهرانه و ظریفی به هم گره خورده اند به طوری که زمین های موات که از انفال می باشد اجازه تملک از طریق احیاء یا حیازت داده شده است. این یکی از ابزارهای مؤثری است که جهت بسط عدالت اجتماعی در اختیار دولت اسلامی است ولی با این حال همبزه زمین ها را اگر تحجیر کننده معطل کند و در آباد کردن آن اهمال نماید دولت اسلامی می تواند بعد از مدتی که برای او تعیین می کند آن را به دیگری واگذار نماید. به طوری که در تحریر الوسيله جلد ۲ کتاب احیاء الموات و المشتركات مسئله ۲۴ آمده است « تحجیر کننده نمی تواند زمین موات تحجیر شده را معطل بگذارد و در آباد کردن آن مسامحه نماید بلکه لازم است بعد از تحجیر آن را آباد کند و در صورتی که مدت اهمال کاری نسبت به تعمیر آن طولانی

۱- کهندل محمد، نظام اقتصادی صدر اسلام، نشر مشاوران، ۱۳۸۴

شود و شخص دیگری بخواهد آن را احیاء کند احتیاط آن است که با وجود حاکم اسلامی و حاکمیت و نفوذ آن به او مراجعه کند یا این که وی تحجیر کننده را اقدام به تعمیر زمین یا دفع ید از آن نماید مگر این که تحجیر کننده عذر موجهی نسبت به تأخیر احیاء داشته باشد. یعنی نه رشد و توسعه فدای عدالت اجتماعی می‌شود و نه عدالت اجتماعی فدای رشد و توسعه خواهد شد. بلکه هر دو لازم و ملزوم و همراه هم می‌باشند. یعنی رشد و توسعه و کسب عزت و اقتدار از دیگر مبانی نظام اقتصادی اسلام است. کما اینکه آزادی، اختیار و کرامت انسانی مبانی دیگر این نظام می باشد ولی محوری ترین مبانی همان عدالت اجتماعی است به طوریکه؛ إِنَّ النَّاسَ يُسْتَعْنُونَ إِذَا عَدِلَ بَيْنَهُمْ^۱ اگر عدالت اجرا شود همه مردم بی‌نیاز می‌شوند و امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: لَوْ عَدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا^۲ اگر در جامعه عدالت اجرا شده بود همه بی‌نیاز می‌شدند.^۳ بنابراین عدالت اجتماعی یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام است که اقتصاد اسلامی و اجزای آن از جمله نظام مالی و زیر بخش آن بانکداری اسلامی می بایست بر اساس عدالت اجتماعی طراحی شود. در این جا قبل از ورود به بحث بانکداری لازم است تعریف مشخصی از پول ارائه دهیم.

پول

پول موجب سهولت در مبادلات و بزرگ شدن بازار از طریق ایجاد تخصص و تقسیم کار گردید. از طرف دیگر با تحقق ذخیره ارزش توسط پول امکان پس انداز، تجمع سرمایه و سرمایه گذاری که موتور رشد و توسعه می باشد، فراهم شد. یعنی تمدن بشری مرهون وجود پول می

۱- اصول کافی ج ۳ - ۵۶۸

۲- همان ج ۱ - ۵۴۲

۳- کهندل، محمد، سیری در اندیشه های اقتصادی امام خمینی، نشر مشاوران - ۱۳۸۴

باشد. سوال این است که ماهیت پول چیست؟ آیا پول کالا است؟ اگر کالا می باشد کالای خصوصی است یا عمومی؟

آیا پول دارایی است و یا سرمایه؟

اگر سرمایه نیست با چه شرایطی سرمایه می شود و تفاوت دارایی و سرمایه کدام است؟ پول در اقتصاد اسلامی سرمایه بالقوه ای است که به محض ترکیب حقوقی با یکی از عوامل تولید به سرمایه بالفعل تبدیل می شود. به این جهت اسلام برای سرمایه بازدهی ای به نام سود قائل است والا برای سرمایه بالقوه هیچ گونه بازدهی منظور نمی شود.^۱ پول دارایی نیست. و برخی از فقها برای اسکناس های در دست مردم مالیت اعتباری قائل هستند.^۲

علت این که پول کالا نیست این است که دولت ها با چاپ میلیاردها ریال اسکناس یعنی این کاغذهای نقش و نگار دار به حجم کالاهای موجود در جامعه چیزی اضافه نمی شود پس کالا نیستند.^۳ نشر آن توسط بانک مرکزی، این بانک را بدهکار می کند. اگر قبول کنیم کالا می باشد پس چرا بانک مرکزی با تولید آن به جای اینکه دارایی آن زیاد شود، بدهکار می شود. ولی میدانیم که بالاخره پول خدماتی را برای اقتصاد هر جامعه ارائه می دهد. پدیده ای است که وجود دارد. مورد طلب همه انسان ها قرار می گیرد. به همین دلیل آقای توتونچیان آن را یک کالای عمومی معنی می کنند.^۴ و در این راستا هزینه تولید آن توسط اموال عمومی پرداخت می شود ولی قبولی این نکته به نظر امکان پذیر نیست. چرا که تولید آن به جای آن که دارایی جامعه یا

۱- توتونچیان صفحه ۱۱۱

۲- آیه الله خویی - مساله ۲۸۴۳، تهیه مطهری- کتاب ربا، بانک و بیمه صفحه ۱۷۷، آیه الله محمود شاهرودی -

فقه اهل بیت شماره ۲ سال اول صفحه ۵۹

۳- توتونچیان صفحه ۱۱۲

۴- توتونچیان صفحه ۸۸

فرد را افزایش دهد بدهی دولت (بانک مرکزی) به مردم را افزایش می دهد. به علاوه قبول پول به عنوان کالای عمومی، قبول دارایی بالفعل جامعه برای پول محسوب می شود حال آن که پول، بالقوه سرمایه و به اعتبار، دارایی محسوب می شود. با افزایش پول دارایی عمومی یا کالای عمومی جامعه افزایش نمی یابد.

پول به مثابه آینه می باشد که بدون وجود منبع نور، روشنایی در آینه منعکس نمی شود.^۱ پول به واسطه این که وسیله ای کارآمد و مناسب برای مبادله کالا و خدمات می باشد زمینه را برای افزایش عرضه و تقاضا و بزرگ نمودن بازار و اقتصاد از طریق ایجاد تخصص و تقسیم کار فراهم می کند و بدون پول امکان ایجاد تخصص و تقسیم کار و به تبع آن تمدن و توسعه امکان پذیر نیست ولی خود کالا نیست. به تعبیر دیگر پول نخ تسبیح می باشد و دانه های تسبیح را به هم متصل می کند اگر نخ نباشد تسبیحی وجود ندارد ولی نخ آن، مهره تسبیح محسوب نمی شود. بسیاری از ابزار و وسایلی که انسان امروزی در اختیار دارد اصلتی ندارند. برای مثال زبان و کتابت ماهیتی اعتباری دارند. لفظ انسان عینیت خارجی ندارد بلکه به طور قراردادی بر یک عینیت خارجی دلالت می کند. الفاظ در ابتدا برای انتقال معانی قرار داده شده اند که کاربردی است منحصر به فرد. اما همین وسیله یعنی اصوات معین کاربردهای دیگری هم پیدا می کند مثل موسیقی. همچنین ترتیب در کتابت، شکل حروف مثلاً یک حرف الفبا در خارج تجسم عینی ندارد تقریبی است از یک واقعیت محسوس به نام صوت. خود یک واقعیت نیست. کاربرد اولیه آن ثبت و حفظ معانی الفاظ است اما کاربردهای دیگری نیز پیدا می کند. پول نیز یکی از این

ابداعات بشر است که وسیله و تقریبی از یک واقع ذهنی و روانی است که در نظام سرمایه داری به آن اصالت داده شده و این در حالی است که پول یک امر اعتباری است.

از نظر شهید صدر پول های کاغذی مال مثلی است و مثل آن افزون بر کاغذ، هر آن چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می کند.^۱

آیت الله بجنوردی اسکناس را عبارت از چیزی می داند که در آن به وسیله مرجعی معتبر، یعنی قانون گذار، به گونه ای قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش به آن داده شده. به عقیده وی، قانون گذاران به منظور تسهیل امور اقتصادی و معاملی به اعتبار مالیت در اسنادی با شرایط و ویژگی های معین در اشکال ثابت مانند اسکناس و اسناد تجاری به معنای خاص کلمه (چک، برات) اقدام می کنند.

به طور کلی خلاصه نظریات ایشان عبارتند از:

الف: اسکناس چیزی است که به وسیله مرجعی معتبر، به نحوی قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش در آن ایجاد شده است.

ب: تمام حقیقت و هویت اسکناس، قدرت خرید و قدرت توانایی انجام مبادلات برای رفع احتیاجات است.

ج: مالیت و ارزش اسکناس مستقل از دارنده اش است.

د: دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود، نه مالک اسکناس خاص با شماره

معین.^۱

۱- توسلی، محمد اسماعیل، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه وران اسلامی در باره ی ماهیت پول - فصل نامه

آیت الله شاهرودی تمام هستی پول کنونی را در توان خرید آن می بیند. ارزش پول کنونی یعنی اسکناس، اعتباری محض است؛ زیرا پشتوانه ندارد و کاغذ آن بی ارزش است. این ارزش به وسیله قانون به آن داده شده است و به الزام قانون و حکومت در جریان است.^۲ و به طور کلی خلاصه نظریه ایشان در خصوص پول عبارت است از:

الف- ارزش و توان خرید، همه هستی و اساس پول است و به جنس حقیقی اش وابسته نیست.
ب- توان اقتصادی صادرکننده، این برگه ها را دارای توان خرید و ارزش مبادله ای می کند.
ج- پول مال مثلی است و پرداخت چیزی که همانم باشد، باز پرداخت جایگزین همسان به شمار نمی آید. همسان فقط آن چیزی است که با بهاء و ارزش و مالیت گذشته اش از همان جنس برابر باشد.

اگر ارزش مبادله ای و قدرت خرید پول در رابطه با قدرت صادرکننده آن باشد، در نظر عرف همچون صفت حقیقی است؛ بنابراین، اگر اعتبار دولت صادرکننده پول و توان اقتصادی اش کاهش یابد یا خود دولت دست به انتشار پول بدون پشتوانه واقعی بزند، نزد مردم مورد ضمان است.

اگر ارزش مبادله ای و قدرت خرید پول در رابطه ب عرضه و تقاضای بازار باشد، در نظر عرف همچون صفت حقیقی نیست؛ در نتیجه ضمان آور هم نیست.

۱- همان منبع - صفحه ۱۳۲ و ۱۳۳

۲- همان منبع - صفحه ۱۳۰ و ۱۳۷

ساموئلسون در برخی از نوشته های خود در خصوص نظریه پولی مرتباً اعلام کرده است که با پول نمی توان مانند سایر کالاها برخورد کرد.^۱ و پژک و سیوینگ معتقدند که اگر پول صرفاً وسیله مبادله باشد نباید و نمی تواند به آن بهره تعلق بگیرد.^۲

اقتصاددانان غربی در حقیقت و هویت واقعی آن تفاهم ندارند و در چگونگی اداره ی آن اختلاف نظر شدید دارند. یک بار آن را در تابع مطلوبیت قرار می دهند. (ساموئلسون و پاتینیکن) یک بار دیگر ارتباط پول با تابع مطلوبیت مورد تحلیل قرار می گیرد. (s.fisher) یک بار دیگر بهره که قیمت پول است، در تابع تولید جایگاه پیدا می کند. (o.lange) یک بار پول ثروت جامعه نیست. (آدام اسمیت)، یک بار پول ثروت جامعه است. (پژک و سیرنگ) یک بار پول دارایی است. (and shaw Pierce)، یک بار پول صرفاً وسیله مبادله است. (اقتصاد دانان کلاسیک) یک بار پول ذخیره ارزش می شود و می توان آن را مانند کالاهای خصوصی کنز کرد و به این علت با آن می توان سفته بازی نمود.^۳ (کینز)

آن چه مورد عمل در اقتصاد غرب در ارتباط با پول وجود دارد این است که پول یک کالای خصوصی است. دارای بازار و عرضه و تقاضا و قیمت می باشد و نرخ بهره قیمت آن است. به همین دلیل در سفته بازی برای پول تجویز وجود دارد. البته این سفته بازی در جهت منافع پولی تمام اغنیاء جامعه سرمایه داری است. هیچ بعید نیست که «علی رغم وجود نظرات مختلف و متعارض در خصوص پول و بدون وجود تئوری قوی برای کالا بودن پول و وجود بازار برای آن و تجویز عملیات سفته بازی» پول در عمل کالا تعریف شده باشد. چرا که این تعریف به نفع صاحبان

۱- توتونچیان صفحه ۸۵

۲- توتونچیان صفحه ۹۲

۳- توتونچیان صفحه ۱۰۲

قدرت اقتصادی و سیاسی است. به همین دلیل نرخ بهره و سفته بازی عملاً در نظام اقتصادی سرمایه داری مورد پذیرش قرار می گیرد. از نظر اقتصاددانان غربی در اقتصاد سرمایه داری سرمایه باید کمیاب باشد در غیر این صورت آن را سیستم سرمایه داری نمی دانند! کمیابی مصنوعی سرمایه در این سیستم را بوسیله بازار پولی و پرداخت الزامی نرخ بهره بوجود آورده اند.

وظیفه ذخیره ارزش برای پول نیز نمی تواند توجیح قوی برای عملیات سفته بازی پول باشد چرا که پول وسیله مبادله کالا است و کالا نیز خود ارزش است. پول این اعتبار را دارا است که با کالا معاوضه شود و به طور اعتباری جایگزین ارزش قرار گیرد. لذا تجمع ارزش برای پول که همان ذخیره ارزش می باشد نیز اعتباری است. به تعبیر دیگر چون ارزش مبادله ای در هر زمان همراه پول است، با ذخیره پول، یک ارزش مبادله ای خالص ذخیره می شود.^۱ و به همین دلیل پول سرمایه نیست کما این که دارایی هم نیست. بلکه میزان و مقدار دارایی را تعیین می کند. یعنی این وظیفه پول، چیزی را نسبت به اعتباری بودن پول و صرفاً واسطه مبادله بودن آن تغییر نمی دهد. و این موضوع با کنز فرق می کند. کنز چه در زیر خاک باشد و چه در زیر زمین بانک، از نظر اقتصادی کاری منفی تلقی می شود. کار مولد واقعی از نقطه نظر اقتصاد وارد کردن این پس انداز ها در فرآیند تولید بر حسب سرمایه، زمین یا نیروی کار است. این عمل باید پاداش

۱- داودی، پرویز - میرجلیلی سید حسین نظری، حسن - پول در اقتصاد اسلامی ص ۱۸ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

خود را داشته باشد.^۱ مرتبط نکردن پول به فرآیند سرمایه گذاری - پس انداز به عنوان یک گناه و از نظر اقتصادی یک عمل بد تلقی می شود.^۲

همان طور که در آغاز سخن در خصوص پول مطرح شد آتش یک اختراع بزرگ می باشد ولی پدیده است که دارای ویژگی های خاصی است از جمله گرمابخش، نور آفرین و نیروی محرکه می باشد. ولی به آن کالا اطلاق نمی شود. با مقولات زبانی از این واژه ها سر و کار داریم که هم وجود خارجی دارند چون چرخ یا به صورت مفهومی می باشند مثل تورم و رکود که هر کدام از این ها خصوصیتی دارند ولی به هیچ کدام از آن ها کالا یا خدمت گفته نمی شود و بازار هم ندارد. پول نیز یک پدیده ای است که مصداق بیرونی نیز دارد ولی کالا یا خدمت نیست و بازاری برای آن نمی توان تصور نمود. لذا قیمتی هم نخواهد داشت. یعنی ارزش زمانی پول در اسلام برابر صفر است. ولی تجویز نسبی در اسلام نشان می دهد که زمان دارای ارزش پولی است.^۳ بنابراین نمی بایست پول را دارایی یا سرمایه تلقی نمود و احکام دارایی که مبادله و سرمایه که درآمدزایی است را بر پول جاری کنیم. پول یکی از مظاهر ثروت است ولی نه دارایی است و نه سرمایه. در جریان نظام مالی، پول اگر به دارایی مبدل شد در آن صورت قابلیت مبادله ای پیدا می کند لذا می توان از عقود مبادله ای بهره جست و اگر به سرمایه تبدیل گردید می توان عقود مشارکتی را مورد استفاده قرار داد.

۱- قحف، منذر - مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی - ترجمه عرب مازر، عباس - انتشارات برنامه و بودجه - سال ۱۳۷۶

ص ۸۵

۲- همان منبع ص ۹۰

۳- بروجردی - سیاست های پولی - آیا پول برای رجحان زمانی است - ص ۳۱۷

بانک داری در نظام سرمایه داری

از نظر بانکداری ربوی بانک یک مؤسسه مالی واسطه ای است که اصولاً وجوه اشخاص را تحت عنوان سپرده دریافت و این وجوه را در اشکال وام و اعتبار، تنزیل مجدد بروات تجاری و خرید اوراق بهادار و فعالیت های صفته بازی دیگر پول و ارز مصرف می نماید. در بانک های تجاری انجام موارد فوق به منظور کسب حد اکثر سود برای سهامداران صورت می پذیرد. در این نظام بانکداری، بانک ها دو نوع می باشند، بانک های تجاری و بانک های غیر تجاری، که بانک غیرتجاری همان بانک مرکزی است که برای آشنائی بیشتر به شرح وظایف هر کدام در ذیل می پردازیم.

وظایف بانک های تجاری

پل ساموئلسون اقتصاد دان امریکائی معتقد بود که وظیفه بانک های تجاری عبارت است از نگه داری حساب جاری و پرداخت چک هایی که از این حساب ها صادر می شود. وظیفه ی دیگر این بانک ها وام دادن به تجار و صاحبان صنایع است اما به طور کلی می توان وظایف بانک های تجاری را به دو گروه وظایف و عملیات اصلی و فرعی تقسیم کرد.

الف (وظایف و عملیات اصلی

وظایف اصلی بانک های تجاری به دو نوع زیر تقسیم می شود:

۱- تجهیز منابع مالی از طریق جذب سپرده های دیداری، پس انداز و مدت دار، تنزیل مجدد

بروات، فروش اوراق قرضه و انجام عملیات صفته بازی پول و ارز.

۲- مصرف منابع مالی از طریق پرداخت وام، اعطای اعتبار اضافه برداشت، تنزیل بروات تجاری خرید اوراق قرضه و خزانة و انجام عملیات سفته بازی پول و ارز.

ب) وظایف و عملیات فرعی

وظایف و عملیات فرعی نیز به دو نوع تقسیم شده است که به منظور انجام وظیفه اصلی بانک طراحی شده اند.

۱- خدمات نمایندگی در زمینه هایی مانند جمع آوری در آمد مشتری، خرید و فروش اوراق بهادار مشتری، پرداخت بدهی های معینی برای مشتری.

۲- خدمات عام المنفعه مثل حفظ و حراست از اشیاء قیمتی یا اسناد و مدارک مردم انتشار چک های مسافرتی، نقل و انتقال وجوه مشتریان.

بانک مرکزی

بانک مرکزی در راس بانک های تجاری برای حمایت و مدیریت کلان بانک های تجاری است که ضمن رعایت منافع بانک های تجاری، جهت فعالیت بانک ها را به سمت مصالح عمومی سوق می دهد. بانک تجاری یک بنگاه اقتصادی است با موضوع انجام فعالیت های پولی در جهت حداکثر کردن سود. ولی بانک مرکزی دولتی است در حالی که بانک های تجاری خصوصی یا دولتی هستند.

وظایف بانک مرکزی

اگر جایگاه بانک مرکزی را در نظام بانکی متصور شویم به خوبی می توانیم وظایف آن را تبیین کنیم. قبل از این طرح گردید که بانک ها به دو نوع تجاری و غیرتجاری تقسیم می شوند و بانک غیرتجاری همان بانک مرکزی است که موضوع و هدف آن، فعالیت تجاری و کسب حد اکثر سود یا درآمد سهام داران نیست. بلکه مدیریت کلان و یا فراهم نمودن شرایطی که منافع سهامداران بانک های تجاری را با منافع اقتصاد جامعه و مردم همسو نماید و ایجاد ثبات اقتصادی در بازار مالی و پولی فراهم سازد. با این توضیح به طور اجمال وظایف بانک مرکزی را می توان به صورت زیر برشمرد:

- انتشار اسکناس و ضرب مسکوکات
- انجام عملیات بانکی مربوط به دولت (بانک دار دولت) و انجام عملیات نمایندگی برای دولت و مشاور دولت در امور پولی و بانکی
- کنترل سیستم پولی، اعتباری و بانکی کشور
- نظارت بر امور بانک ها و مؤسسه های اعتباری غیر بانکی
- حفظ موجودی نقدی بانک های تجاری
- حفظ و مدیریت ذخایر ارزی کشور
- انجام عملیات بانکی با بانک های مرکزی سایر کشورها
- انجام عملیات بانکی مؤسسه های مالی بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و بانک

جهانی

- ارائه تسهیلات اعتباری از طریق تنزیل مجدد بانک های تجاری

مکانیزم فعالیت بانک داری ربوی

۱- فعالیت ربوی: در این سیستم بانکی پول را دارایی و سرمایه تلقی می کنند و آن را درآمدزا دانسته و بهره را برای آن تجویز می کنند. یعنی اصالت به سرمایه داده می شود. پول، دارایی و حتی سرمایه بدون قبول ریسک و بدون حضور در بخش واقعی اقتصاد زایش درآمدی دارند. این موضوع ضمن دامن زدن به فعالیت سفته بازی مسیری مخالف عدالت اجتماعی را طی می کند. در این نظام پولی در دریافت و جذب منابع و مصرف آن ها تنوع خاصی وجود دارد که نرخ سود دریافتی و پرداختی در نوع آن در شرایط و زمان های مختلف متفاوت می باشد. لذا برای حداکثر سازی سود سهامداران بانک با توجه به نرخ های پرداختی و دریافتی، برای دریافت و تخصیص منابع تصمیم گیری می شود. همه این فعالیت ها دارای این ویژگی می باشند که در بخش واقعی اقتصاد صورت نمی گیرند و پول و دارایی به سرمایه تبدیل نمی شوند. یعنی یک بخش کاذب و غیر مولد در کنار بخش مولد ایجاد شده است که به راحتی درآمدزا محسوب شده است. در موسسات اعتباری غیر بانکی تنوع این عملیات و انتخاب فرصت برتر از بین آن ها، تنها روش حداکثر سازی سود می باشد. میزان فعالیت و سود آوری این موسسات تابع ای از تامین منابع از طریق موارد یاد شده و انتخاب گزینه بهتر می باشد. در بانک ها به لحاظ دارا بودن امتیاز گشایش حساب های دیداری و امکان خلق پول بانکی در تامین منابع وجوه نقد موضوع متفاوت می باشد که در زیر به توضیح آن می پردازیم.

راه های حد اکثر سازی درآمد در بانک های تجاری

بانک های تجاری در نظام ربوی به طور معمول از طریق پرداخت وام، تنزیل بروات، خرید اوراق خزانه، خرید اوراق قرضه و انجام مبادلات سفته بازی منابع مالی خود را برای حد اکثر سازی درآمد به مصرف می رسانند. نرخ سود هر فعالیت و میزان تخصیص منابع به آن فعالیت در حداکثر سازی سود بانک نقش موثری را ایفا می کند. اما نکته مهم و اساسی نحوه جذب منابع و میزان منابع ای است که بانک می تواند در اختیار داشته باشد. چرا که هر مقدار وجوه بانکی بیشتر باشد امکان انجام فعالیت بیشتر آن ها و کسب درآمد بیشتر بانک ها فراهم می شود. راه های جذب منابع در بانک داری ربوی با بانکداری اسلامی هم از نظر تنوع در فعالیت ها و هم در ماهیت آن ها با نظام سرمایه داری متفاوت است.

الف) افزایش جذب سپرده ها

بانک ها می بایست برای جذب سپرده های خود برنامه ریزی کنند چرا که جزء وظیفه اصلی بانک ها محسوب می شود. این موضوع از طریق تبلیغات و ارائه خدمات بیشتر به مشتریان میسر است و اصولا خدمات عام المنفعه و خدمات نمایندگی بانک ها به مشتریان در این راستا معنی می شود. در این موضوع اختلافی بین بانکداری اسلامی و ربوی وجود ندارد بلکه در نحوه جذب منابع و ابزارهای مورد استفاده و نحوه مصارف این وجوه اختلاف است.

ب) تغییر در اقلام ترازنامه ای بانک

در ترازنامه مالی طرف دارائی ها به ترتیب توان نقد شدن آن ها در ستون مربوطه لیست می شوند، آن چه را می توان به عنوان اعطای تسهیلات از این ستون استفاده نمود اقلام وجوه نقد یعنی همان صندوق می باشد. لذا هر مقدار از سایر دارائی ها به وجوه نقد تبدیل شود توانسته ایم منابع بیشتری را برای فعالیت بانکی فراهم کنیم و به تبع آن سود بانک را افزایش دهیم. مثلا بروات در صورتی که فرصت های دیگر بهتر است را تنزیل مجدد نمائیم یا زمین و ساختمان های غیر ضروری را به وجه نقد تبدیل نمائیم. در طرف بدهی ها نیز هر مقدار این ستون را افزایش دهیم به معنی افزایش در جذب سپرده ها و استفاده از وجوه دیگران در عملیات بانکی است و باعث افزایش منابع وجوه نقد می شود. سرمایه و بستانکاران یا اسناد پرداختنی را از طریق فروش اوراق قرضه افزایش دهیم. سود قابل تقسیم را تقسیم نکنیم و موارد مانند این ها. در این شیوه جدای از این که بهره باعث ایجاد یک بخش غیر واقعی و غیر مولد در کنار بخش واقعی اقتصاد می شود و تسهیم منافع حاصل از فعالیت بانکی بین سپرده گذاران و دریافت کنندگان وام به دلیل وجود ربا و مشارکتی نبودن فعالیت آن ها مبتنی بر عدالت اجتماعی نیست.

ج) خلق پول بانکی

خلق پول به معنی انتشار اسکناس و ضرب سکه نیست. اصولا این وظیفه مربوط به بانک مرکزی می باشد که به آن خلق پول گفته نمی شود، بلکه همان نشر اسکناس و ضرب سکه معنی می شود. خلق پول مختص بانک های تجاری است که منشا آن وجه نقد موجود در بانک ها می باشد.

خلق پول بانکی میزان پولی است که از طریق سپرده های دیداری توسط بانک هایی که حق گشایش حساب دیداری دارند ایجاد می شوند. در نظام بانکی، ضریب خلق پول عرضه پول از طریق سپرده های دیداری را ضریب فزاینده سپرده های دیداری نظام بانکی می گویند که معادل

$$\frac{1}{r + c + e + rt}$$

می باشد. از این کسر این طور برداشت می شود که هر قدر از بانک های تجاری وجوه تحت عنوان سپرده قانونی (r)، سپرده اضافی (e) و وجوه نقد (c) از بانک خارج شود میزان خلق پول کمتر خواهد بود. در این کسر نرخ سپرده قانونی حساب های غیردیداری (r) و نسبت سپرده های غیردیداری به دیداری (t) هر قدر بزرگتر باشد میزان خلق پول نیز کمتر می شود. این نکات بدان معنی است که نظام بانکی ربوی از این طریق می تواند چندین برابر سپرده های جذب شده (وجوه موجود در بانک) اعطای وام نماید و چندین برابر سود متوجه سهامداران نماید. و این علاوه بر با یکی دیگر از عوامل و مصادیق عدالت زدایی و تکثر ثروت و آن هم بدون حضور در بخش واقعی اقتصادی است. یعنی از طریق ربا و خلق پول که اولی ویژگی نظام سرمایه داری و دومی ویژگی بانک های تجاری (با مبانی نظام سرمایه داری) می باشد، در صدد حد اکثر کردن درآمد و سود صاحبان سهام این بنگاه های اقتصادی از طریق به کار گیری منابع دیگران و جامعه و تخصیص منافع آن ها به افراد خاص (سهام داران) می باشند. این موضوع با روح عدالت تعارض دارد. این وجوه به صورت وام در اختیار متقاضیان گذاشته می شود و سود حاصله و درآمدها فقط متوجه سهامدارن می شود. حال آن که این درآمدها ناشی از ویژگی خلق پول است. میزان پول خلق شده مربوط به کل جامعه است. ولی به افراد خاص تحت عنوان سهامداران بانک تخصیص

داده می شود. این خلاف عدالت اجتماعی است. حال که موارد یاد شده را در بانک داری ربوی بحث کردیم لازم است موضوع را در بانک داری اسلامی دنبال کنیم.

بانک در بانک داری اسلامی

بانک موسسه ای است که منابع مالی را از بخش هایی که مازاد منابع مالی دارند یا امکان تبدیل نمودن آن را به دارایی و سرمایه ندارند جمع آوری و با کمک و همیاری مشتریان در جهت رشد و توسعه و بسط عدالت اجتماعی آن را به دارایی یا سرمایه مبدل می نمایند. در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک ها به دو نوع تجاری و غیرتجاری تقسیم شده اند. با تعریف ارائه شده از پول در بخش اولیه مقاله که دارایی و سرمایه نیست عملاً درآمدزایی پول حذف می شود و ربا از بانک داری اسلامی رخت بر می بندد و بخشی از رویکرد عدالت اجتماعی از این طریق تضمین می شود. سوال این است که آیا با این موضوع مسئله ختم می شود. آیا در نظام بانک داری اسلامی یا قانون عملیات بانکی بدون ربا در عملکرد و ساختار، پول به دارایی و سرمایه تبدیل می شود یا خیر؟ در این ارتباط لازم است که به نحوه ی جذب و مصرف منابع در بانک داری اسلامی بپردازیم.

مکانیزم جذب منابع

در بانک داری اسلامی تجهیز منابع از طریق انواع سپرده ها در تمام فعالیت ها و اوراق مشارکت در پروژه هایی که بانک مشارکت یا سرمایه گذاری مستقیم دارد صورت می گیرد.

مکانیزم مصرف منابع

در بانک داری اسلامی بانک واسطه مالی نیست. بانک با تبدیل پول به دارای یا سرمایه در بخش واقعی اقتصاد حضور پیدا می کند. با این اقدام عملیات سفته بازی و بخش درآمد زایی غیر مولد تعطیل می شود. شیوه تبدیل پول به دارای استفاده از عقود معاملاتی و شیوه تبدیل پول به سرمایه استفاده از عقود مشارکتی می باشد. ویژگی مهم این نظام رونق بخشیدن به اقتصاد و بسط توسعه و ایجاد ظرفیت بیشتر و افزایش اشتغال از طریق حذف بخش غیر مولد اقتصاد و حذف فعالیت های سفته بازی و اختصاص همه منابع به بخش مولد اقتصاد و همچنین بسط عدالت اجتماعی در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی از طریق عقود مشارکتی با تسهیم سود واقعی بدست آمده بین صاحب سرمایه و عامل و حذف درآمدهای بادآورده بخش غیر مولد و سفته بازان پولی و مالی. در ذیل برای تفصیل بیشتر به ویژگی های عقود یاد شده می پردازیم.

ویژگی های عقود مشارکتی

- ۱- پول و دارایی توسط این عقود به سرمایه تبدیل می شود این موضوع گویای وجود اختلاف ماهوی بین پول، دارایی و سرمایه است. پول و دارایی به خودی خود در آمدزا نمی باشند و چون تبدیل به سرمایه می شوند در فرآیند تولید درآمد زا خواهند شد. در نظریه کینز دارایی به دو نوع پول و اوراق قرضه تقسیم می شود و هر دو را درآمدزا می داند حال آن که این طور نیست.
- ۲- زمان در این نوع عقود وجود ندارد. و این زمان نیست که درآمد زایی سرمایه را با افزایش طول زمان به کارگیری آن افزایش می دهد. نوع فعالیت و میزان سود آوری و میزان مزیت دار

بودن فعالیت اقتصادی است که میزان درآمد زایی سرمایه مشخص می شود و این نوع فعالیت بانکی تخصیص منابع را به فعالیت هایی که مزیت نسبی بیشتری دارند هدایت می کند.

این نکته در هر کدام از عقود مشارکتی صدق می کند مثلاً در مضاربه سرمایه از ضارب و فعل تجارت توسط عامل انجام می شود و این قرار داد می تواند برای یک محموله صادرات، واردات یا خرید و فروش یک کالا در داخل کشور صورت پذیرد. هر وقت و زمانی آن فعالیت مشخص به اتمام رسید می توان برای تقسیم سود اقدام نمود. و اگر زمان یک سال را یا یک دوره مالی در نظر گرفته شود به هر تعداد آن فعالیت انجام شود تعداد مبادلات، بین طرفین تقسیم می شود. ملاک، سود هر مبادله می باشد. در مشارکت مدنی و حقوقی نیز وضع چنین است. در مزارعه و مساقات که برداشت محصول یک دوره زمانی مشخص دارد باز ملاک درآمد حاصله است نه زمان و دوره فعالیت.

۳- سود و درآمد ثابت برای این عقود متصور نیست. نمی توان تعیین نمود که در طول یک دوره چقدر درآمد برای صاحب سرمایه حاصل خواهد شد. این موضوع به انتخاب نوع فعالیت توسط صاحب سرمایه بستگی به این دارد که سرمایه خود را در کدام فرآیند اقتصادی به کار گیرد. آن چه مسلم است این است که در مضاربه و مثل آن باید نوع فعالیت دقیقاً مشخص شود. اگر مشخص گردید عامل حق به کارگیری منابع در فرآیند دیگری را ندارد چرا که صاحب سرمایه به دلیل اطلاعات و آشنایی با فعالیت مورد نظر سرمایه خود را در اختیار عامل گذاشته است.

۴- سود و درآمد صاحب سرمایه و عامل، درصدی از سود و درآمد قرارداد می باشد و این نوع قراردادها و فعالیت های اقتصادی سرمایه در معرض ریسک و خطر نیز قرار می گیرند. میزان سود و درآمد حاصله با دو ملاک مشخص ریسک پذیری سرمایه از یک طرف و تخصیصی بودن فعالیت

و میزان کار و فعالیت از طرف دیگر تعیین می شود. اگر فعالیتی دارای ریسک پذیری بالاتری باشد، سهم سرمایه به همان میزان افزایش می یابد چون ریسک سرمایه با صاحب سرمایه می باشد و اگر نوع فعالیت از تخصص و کار و فعالیت بیشتری برخوردار باشد، سهم عامل بیشتر خواهد بود. آن چه مسلم است به هر دلیل سهم هر کدام از طرفین در قرار داد فی ما بین مشخص می شود و بر اساس درصد مشخص شده در قرارداد درآمد و سود حاصله تقسیم خواهد شد.

۵- نیاز به نظارت و کنترل^۱ در این گونه عقود بانک می بایست بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به صورتی بر سرمایه گذاری های انجام شده خود که نوعی سرمایه گذاری مستقیم است با این تفاوت که با شخصیت های حقوقی یا حقیقی دیگر در هر پروژه مشارکت دارد در نحوه ی اجراء و روند فعالیت برای کارآمدی و سلامت فعالیت، نظارت نماید.

ویژگی عقود مبادله ای

عقود مبادله ای به آن نوع قراردادهایی گفته می شود که در آن ها اموال و منفعتی، در برابر پول با مال دیگری مبادله می شود. به تعبیر روشن تر از طریق این عقود پول به دارایی مبدل می شود و دارایی مبادله می شود. در نظام بانکی فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک و جعاله از این نوع عقود می باشند که دارای ویژگی های زیر می باشند.

۱- رابطه بدهکار و بستانکار بین خریدار و فروشنده

۱ - موسویان، سید عباس، انواع بانک های بدون ربا- فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی - شماره ۱۱ -

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سال ۱۳۸۲ ص ۵۸

- ۲- فروشنده هیچ مسئولیتی در قبال خریدار ندارد و خریدار چه توانایی استفاده از کالای خریداری شده را داشته باشد یا نداشته باشد، بتواند سود انتظاری خود را از فعالیت مذکور تحصیل کند یا نه، معامله قطعی و تمام شده است و طرفین به آن عمل می کنند.
- ۳- نرخ سود انتظاری معین و از پیش تعیین شده می باشد.
- ۴- عدم نیاز به نظارت و کنترل در نحوه استفاده موضوع مورد خریداری شده نیست.^۱

محوریت عقود

با ذکر ویژگی های عقود مشارکتی و معاملاتی باید اذعان داشت که محور ادبیات بانکداری بدون ربا سهم بری در سود و زیان است. متاسفانه حدود ۶۸/۵ درصد از معاملات بانکی را فروش اقساطی تشکیل می دهد^۲ و این را هم خوب می دانیم؟! بسیاری از این ارقام به دارایی مبدل نمی شوند! و این روند متاسفانه گویای تغییر رویکرد و فاصله گرفتن از بانک داری اسلامی و قانون عملیات بدون ربا می باشد.

برای تحقق رشد و توسعه باید مشی و راه عدالت را برای خود تعیین کنیم. اگر چنین عمل نمودیم قطعاً به کارآیی، استغنا، و توسعه دست خواهیم یافت. این موقتی و مقطعی هم نخواهد بود. بنابر این در ساختار نظام بانکی اسلامی این موضوع به عنوان یک مبناء، می بایست مد نظر اندیشمندان، برنامه ریزان، سیاسیون و رهبران در یک کشور اسلامی قرار گیرد. گروهی از

۱ - موسویان، سید عباس - انواع بانک های بدون ربا - فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی - شماره ۱۱ - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سال ۱۳۸۲ ص ۵۷ - انطباق ابزارهای نوین و ابداعات بانکی مالی با قوانین اسلامی - هئیت مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی پژوهشکده پول و بانکی سال ۱۳۸۴

۲ - میر جلیلی، سید حسین، الگوی داروپرسلی برای ساماندهی بانک داری بدون ربا - دو چالش فرا روی بانک داری ایران - مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی دی ماه ۱۳۸۴ -

اندیشمندان و نظریه پردازان بانکداری اسلامی^۱ در طراحی نظام بانکداری اسلامی اجرای عقود مشارکتی را پر هزینه تلقی کرده اند. و به همین دلیل عقود معاملاتی را ترجیح داده اند. و این در صورتی است که عقود مشارکتی در شرایط تورمی و ثبات اقتصادی و حتی رکودی، منافع اقتصادی را همان طور که هست بین صاحبان سپرده و دریافت کنندگان سپرده تقسیم می کند و عدالت رعایت می شود. خود موجب حذف انتظارات تورمی در شرایط تورمی و میل به ثبات اقتصادی در فرآیند اقتصادی می شود. مثلاً اگر فرض کنیم یک زمین با متراژ ۲۵۰ متر مربع فردی در اختیار دارد و فرض کنیم که قیمت آن دویست میلیون تومان باشد و همین فرد بخواهد از طریق مشارکت مدنی از طریق بانکی به ساخت آن مبادرت نماید و فرض کنیم که برای ساخت ۱۰ واحد ۷۰ متری دویست میلیون تومان از طریق همین عقد با بانک مورد نظر وارد مشارکت می شود و سهم هر کدام ۵۰ درصد باشد، در آن صورت هزینه کل ساختمان چهار صد میلیون تومان خواهد شد. اگر فرض کنیم قیمت هر متر بنا ۸۰۰ هزار تومان باشد و ۷۰۰ متر زیر بنای مفید داشته باشیم، با فرض این که در عرض یک دوره مالی یک ساله این پروژه به اتمام برسد، در آن صورت مبلغ فروش ۵۶۰ میلیون تومان خواهد شد و اگر نرخ تورم در بخش ساختمان در این سال ۲۵ درصد باشد در آن صورت قیمت فروش ۷۰۰ میلیون تومان خواهد شد که سهم پنجاه درصد هر کدام ۳۵۰ میلیون تومان خواهد شد. یعنی ۱۵۰ میلیون تومان هر کدام سود کرده اند. اگر بانک این مقدار سود را به صاحب سپرده پرداخت نماید (با کسر ۱۰ درصد آن به عنوان حق العمل کاری) هیچ صاحب سپرده ای پول خود را در عملیات سفته بازی خرید زمین و مثل آن

۱- موسویان، سید عباس، انواع بانک های بدون ربا- فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی - شماره ۱۱ - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سال ۱۳۸۲ ص ۵۷

سرمایه گذاری نمی کند. لذا انگیزه تقاضای موثر غیر واقعی از اقتصاد حذف خواهد شد و انتظارات تورمی کاهش و تورم کاهش و حتی نرخ آن می تواند به صفر سوق داده شود. در این مدل هم سپرده گذاران به سهم واقعی خود رسیده اند و هم عامل که طرف بانک بوده است. اگر این چنین عمل نکنیم خلاف عدالت عمل نموده ایم چرا که مثلاً اگر ۱۴ درصد به صاحب سپرده از دویست میلیون تومان به عنوان سود پرداخت کنیم. معادل ۲۸ میلیون تومان سهم او خواهد شد و سهم عامل ۲۷۲ میلیون تومان می شود. در آن صورت واژه بساز و بفروش پیدا می شود که این یکی از مصادیق درآمدهای باد آورده خواهد شد. و از طرف دیگر صاحب سپرده وقتی چنین سودی را برای این بخش از اقتصاد می بینند به سمت خرید زمین و آپارتمان روی خواهد آورد و قیمت آن ها نیز افزایش خواهد یافت و ساختمان و زمین در بورس بازی وارد می شوند. عملیات سفته بازی در اقتصاد بیشتر می شود و نرخ تورم را تشدید می کنیم. و از عدالت اجتماعی فاصله بیشتری گرفته ایم. بنابر این عقود مشارکتی یکی از مصادیق عدالت در نظام بانکی است که متأسفانه عملکرد بانک داری جمهوری اسلامی ایران از اجرای آن فاصله گرفته است. اگر مشکلی وجود دارد باید ارائه طریق داد نه این که به مسیر غیر عادلانه سوق پیدا کنیم. نباید فراموش نمود که عقود مشارکتی محور و ماهیت بانکداری اسلامی است و نرخ سود عقود معاملاتی تابعی از سود عقود مشارکتی است. اگر عملیات بانکی به سمت عقود معاملاتی سوق پیدا کند پول ماهیت معاملاتی پیدا می کند و این ضمن این که ربوی خواهد شد از مبانی عدالت اجتماعی اسلام فاصله و به مبانی سرمایه داری رویکرد نموده ایم.

خلق پول

نکته بعدی در خصوص عدالت اجتماعی آن است که وجوه حساب دیداری به صورت قرض الحسنه به بانک ها به ودیعه گذاشته می شود. و این وجوه به اضافه وجوه دیگر موجود در بانک تجاری به مراتب بیش از سپرده های موجود، خلق پول می کند. این وجوه در فعالیت های بانکی هزینه بر نمی باشند و صرفاً در مقابل دریافت سپرده های دیداری بانک ها خدمات نمایندگی برای صاحبان سپرده از جمله جمع آوری بدهی دیگران به صاحب حساب و پرداخت بدهی صاحب حساب به دیگران را ارائه می دهند. ولی این هزینه ها در مقابل درآمد حاصله از مصرف وجوه خلق شده از طریق عقود مشارکتی و معادلاتی و مثل آن قابل مقایسه نیست. سود این سپرده ها و سود وجوه خلق شده ناشی از عملیات خلق پول در بانک های تجاری به مراتب بیشتر از هزینه خدمات ارائه شده از طرف بانک به مشتریان می باشد. سوال این است که این درآمدها از آن کیست؟ صاحب سپرده ها یا بانک، اگر بانک خصوصی باشد وضع بدتر می شود. این وضع به شدت و با سرعت منبع مالی زیادی را نصیب سهامداران بانک های خصوصی به ناحق منتقل خواهد نمود. این موضوع توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز قبلاً پیش بینی شده است که؛ در طول چند سال ۵۰٪ از سپرده های نظام بانکی نصیب بانک های خصوصی خواهد شد.^۱ در این جا ما به خلق پول ایراد و اشکالی نمی گیریم. خصلت و ویژگی بانک همین است. وجود بانک نیز یک ضرورت برای رشد و توسعه و اجرای برنامه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می شود. بحث در نحوه توزیع منابع حاصله از این پدیده بانکی است. درآمد

۱ - عبده تبریزی، حسین، بانک های خصوصی و تجدید ساختار بانک های دولتی، دوازدهمین همایش بانک داری اسلامی

حاصله از این فرآیند متوجه سپرده گذاران هم نمی شود. آن چه مسلم است صاحب سپرده ی دیداری غیر از دریافت خدمات، وجهی دریافت نمی کنند و صاحبان سپرده های غیردیداری (سرمایه گذاری) به اندازه وجوه به ودیعه گذاشته شده، در درآمدها و سود فعالیت های بانک ها سهیم می باشند. بنابر این درآمد این وجوه مربوط به جامعه اسلامی و احاد مردم است. باید ترتیبی اتخاذ شود که در توزیع این درآمدها رعایت عدالت اجتماعی اعمال گردد. از طرفی پول های خلق شده به واسطه افزایش در M_1 و M_2 ممکن است در افزایش نرخ تورم مؤثری باشند. تورم توزیع درآمد و دارائی ها را به ضرر فقرا و به نفع اغنیاء رقم می زند. لذا این درآمدها می بایست به صورتی سازماندهی و هدایت شوند که احاد مردم به خصوص اقشار و جمعیت دهک های پایین درآمدی را مورد حمایت قرار دهد.^۱

بنابر این وضع موجود در اقتصاد و بانکداری متعارف و نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران که سپرده های دیداری به بانک های تجاری سپرده شده و برای منابع حاصله از آن هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نشده، پسندیده نیست و بر خلاف میانی مسلم اقتصاد اسلامی یعنی عدالت اجتماعی است. این نکته زمانی دارای حائز اهمیت بیشتری می باشد که بانک های خصوصی نیز دارای حق گشایش حساب دیداری بوده و منافع حاصله از آن صرفاً به چند نفر سهامدار این بانک ها اختصاص داده شود. حال آن که این منافع به جامعه اسلامی به خصوص اقشار کم درآمد تعلق دارد. لذا منافع حاصل از این ویژگی که بانک های تجاری به واسطه قدرت عمومی و ثبات اقتصادی و اطمینان عمومی به نظام، می توانند سپرده های دیداری ایجاد کنند و منابع بیشتری در اختیار بانک ها گذاشته شود تا پرداخت تسهیلات بیشتر نمایند، نمی تواند درآمد حاصله آن

۱- کهندل، محمد، پول و ارز و بانکداری

در قانون عملیات بانکی بدون ربا، مسکوت بماند و در اختیار صاحب سپرده ها یا سهامداران بانک ها قرار بگیرد. لذا این فعالیت باید توسط دولت اداره شود نه هر گروه خصوصی.^۱ به همین دلیل بانک های تجاری از نظر آقای منذر قحف صلاحیت گشایش حساب جاری ندارند و صندوق زکات را که متولی آن را دولت اسلامی می دانند صاحب صلاحیت برای گشایش این نوع از حساب ها معرفی می کنند و این صندوق می تواند خالق پول نماید تا عموم مردم از انتفاع آن برخوردار شوند.^۲ این نکات به معنی حذف بخش خصوصی از نظام بانکی نیست بلکه حضور بخش خصوصی در این عرصه یک ضرورت است. ولی به معنی محروم کردن بخش خصوصی از خلق پول می باشد و این کار لازمه عدالت اجتماعی در یک نظام اسلامی است.

وظیفه بانک مرکزی در نظام بانک داری اسلامی

با تعریف مفاهیمی چون پول، بانک و شیوه های تجهیز منابع در نظام بانکی اسلامی و بیان تفاوت های آن ها با نظام بانک داری ربوی از یک طرف و با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مبانی اقتصاد اسلامی می توان وظایف بانک مرکزی را ترسیم نمود.

- انتشاراسکناس و ضرب مسکوک

۱ - Monzer Kahf. Contemporavy Challenge to Islamic Economists » Paper presented at the First National Conference of the Assocation of Mu slim Social Seientists . Chicayo ۱۹۷۲

۲- قحف، منذر، مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی- ترجمه عرب مازر، عباس - انتشارات سازمان برنامه و بودجه سال

- انجام عملیات بانکی مربوط به دولت (بانک دار دولت) و انجام عملیات نمایندگی برای دولت

و مشاور دولت در امور پولی و بانکی

- کنترل سیستم پولی، اعتباری و بانکی کشور

- نظارت بر امور بانک ها و مؤسسه های اعتباری غیر بانکی

- حفظ موجودی نقدی بانک های تجاری

- حفظ و مدیریت ذخایر ارزی کشور

- انجام عملیات بانکی با بانک های مرکزی سایر کشورها.

- انجام عملیات بانکی مؤسسه های مالی بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و بانک

جهانی.

- فعال نمودن بانک ها و سایر موسسات مالی در بخش واقعی اقتصاد.

- نظارت به امور بانک ها و موسسات مالی در تعیین سهم شرکتها بر اساس میزان ریسک از

یک طرف و کاربری یا تخصصی بودن فعالیت از طرف دیگر دارایی ها و سرمایه ها جلوگیری از

گسترش بازارهای ثانویه و فعالیت بورس بازی و کمک به گسترش بازارهای اولیه

- نظارت بر خلق پول در بانک های تجاری و جدا سازی منافع حاصل از آن و تخصیص آن به

عنوان بخشی از درآمدهای دولت در جهت بسط عدالت اجتماعی و یا مصرف در پروژه های عام

المنفعه.

- ایجاد سیستمی برای در اختیار گذاشتن اطلاعات اقتصادی به نظام مالی برای انعقاد

قراردادها

- نظارت بر اجرای عقود مشارکتی به منظور تسهیل در اجراء و کاهش هزینه های آن ها.

- نظارت بر نرخ سود عقود معاملاتی به عنوان تابعی از عقود مشارکتی

سخن آخر

بنابر این با توجه به ماهیت پول و بانک باید توجه داشت که عدالت اجتماعی یک موضوع برای گفتمان نیست بلکه می بایست نظام اقتصادی اسلام و زیر بخش های آن بر اساس این مبانی طراحی شوند. و اگر طراحی شدند به اجرا گذاشته شوند. متأسفانه در این کشور قانون مصوب به اجراء گذاشته نمی شوند و آیین نامه ها و دستور العمل ها بر خلاف ماهیت قانون عملکرد بانکی بدون ربا تهیه و تدوین می شوند. از طرفی هم نظام آموزش بانک داری همان نظام اقتصاد سرمایه داری است که در خصوص موضوع اول قوه قضائیه و در مورد دوم وزارت تحقیقات، علوم و فن آوری هیچ گونه حساسیتی از خود به نمایش نمی گذارند. یعنی در اجراء نیز بخش اول (آموزش) و بخش پایانی (نظارت) را رها کرده ایم و آن گاه توقع اجراء مناسب قانون را داریم.

جمع بندی و نتیجه گیری

- ۱- نمی بایست پول را دارایی یا سرمایه تلقی نمود و احکام دارایی که مبادله و سرمایه که درآمدزایی است را بر پول جاری کنیم.
- ۲- نظام بانکی ربوی از طریق ربا و خلق پول که اولی ویژگی نظام سرمایه داری و دومی ویژگی بانک های تجاری می باشد در صدد حد اکثر کردن درآمد و سود صاحبان سهام این بنگاه های اقتصادی از طریق به کار گیری منابع دیگران و جامعه و تخصیص منافع آن ها به افراد خاص (سهام داران) می باشند. که با روح عدالت تعارض دارند.

- ۳- همه زوایای قانون عملیات بانک داری بدون ربا بر اساس عدالت به عنوان یکی از مبانی مسلم بانک داری اسلامی طراحی نشده است.
- ۴- می بایست تمام سعی و تلاش نظام برای اجرای عقود مشارکتی بانک ها مصروف شود و تمهیدات لازم برای اجرایی نمودن آن ها فراهم گردد.
- ۵- سود عقود مشارکتی مبتنی بر زمان نیست. تسهیم سود حاصله از پروژه های اقتصادی بر اساس قرارداد بانک با عامل با کسر حق العمل کاری بانک می باشد. سود عقود معاملاتی تابعی از برآورد سود عقود مشارکتی با کسر سهم سود آوری ریسک عقود مشارکتی می باشد.
- ۶- هیچ لزومی ندارد تعریف ما از بانک همان تعریفی باشد که در نظام سرمایه داری وجود دارد، باشد. می توانیم بانک های تجاری دارای حق گشایش حساب های دیداری را دولتی اعلام کنیم و در قانون بانک داری کشور به طور دقیق موارد مصرف منافع حاصل از خلق پول تعیین گردد. یک پیشنهاد می تواند این باشد که منافع حاصله را صرف اجرای موارد احصا، شده در قانون اساسی برای تامین رفاه عمومی و نیازهای اساسی عموم مردم نماییم.
- ۷- موسسات مالی خصوصی می توانند در سطح بسیار گسترده تشکیل شوند ولی تخصصی و بدون حق گشایش حساب دیداری و خلق پول بانکی
- ۸- وزارت علوم برای نظام آموزشی بانک داری اسلامی می بایست برای تعیین دروس، تدوین کتاب و راه اندازی رشته بانک داری اسلامی در چهار سطح؛ فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اقدام نماید.
- ۹- دولت محترم می بایست در یک دوره زمان بندی مشکلات و مسایل بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا را با گزینش یک هیئت بانکی، اقتصادی و حقوقی را مشخص و برای رفع تنگناهای

مدیریتی و قانونی اقدامات لازم از جمله تهیه لایحه و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی مبادرت نماید و بر فوریت بند ۷ تاکید و اقدام نمایند.

۱۰- قوه قضائیه طی سال های گذشته در خصوص اجرای قانون عملیات بانکی وظیفه خود را انجام نداده است. لذا لازم است با تدوین قانون نظارت بر سیستم بانکی به عنوان ناظر مؤثر بر اجرای قانون و مجرم شناختن تخطی کنندگان از قانون و اجرای احکام، درصدد اجرای قانون برآید.

۱۱- مجلس شورای اسلامی توان نظارتی خود را مصروف اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا ننموده و لازم است به این مهم توجه و در صورت عدم انجام هر یک از دو بند ۹ و ۱۰ از طرف دو قوه محترم خود رأساً به تهیه طرح و تصویب آن اقدام نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- اصول کافی ج ۱
- ۲- اصول کافی ج ۲
- ۳- اصول کافی ج ۳
- ۴- اصول کافی ج ۵
- ۵- امام خمینی، تحریر الوسیله جزء اول، صفحه ۱۲
- ۶- خوبی، آیه الله، مساله ۲۸۴۳، تهیه
- ۷- بروجردی، سیاست های پولی، آیا پول برای رجحان زمانی است
- ۸- توتونچیان، ایرج - پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری نشر توانگران - سال ۱۳۷۹
- ۹- توسلی، محمد اسماعیل ، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه وران اسلامی در باره ماهیت پول فصل نامه اقتصاد اسلامی شماره ۱۹ سال ۱۳۸۴ - صفحه ۱۲۹
- ۱۰- داودی، پرویز، حسن نظری، سید حسین میر جلیلی، پول در اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
- ۱۱- شاهرودی، محمود، فقه اهل بیت، شماره ۲ سال اول، صفحه ۵۹
- ۱۲- عبده تبریزی، حسین، بانک های خصوصی و تجدید ساختار بانک های دولتی، دوازدهمین همایش بانک داری اسلامی

۱۳- قحف، منذر، مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عرب مازار، عباس، انتشارات برنامه و

بودجه، سال ۱۳۷۶

۱۴- کهندل، محمد نظام اقتصادی صدر اسلام، نشر مشاوران- ۱۳۸۴

۱۵- کهندل، محمد، پول و ارز و بانک داری

۱۶- مستدرک الوسایل، ۲/۲۹۹، چاپ سنگی

۱۷- موسویان، سید عباس، انواع بانک های بدون ربا، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی،

شماره ۱۱ و ۱۹، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سال ۱۳۸۲

۱۸- مطهری، استاد شهید مرتضی، کتاب ربا، بانک و بیمه صفحه ۱۷۷،

۱۹- وسایل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۳

۲۰- Monzer Kahf. Contemporavy Challenye to Islamic Economists

Paper presented at the First National Conference of the Assoiication of
Muslim Social Seientists . Chicayo ۱۹۷۲